

یک سید شعر

زیر نظر بابک نیک‌طلب

کلاغ‌ها

کلاغ‌های سر به راه
مسافران کوچه‌های آسمان
نشسته‌اند باز پشت پنجره
و من سؤال‌های زرد و سرخ و سبز را
دوباره بسته‌ام به بال‌هایشان
کلاغ‌ها
تمام روز می‌روند و می‌روند و می‌روند
و شب که شد
دوباره پشت شیشه زنده می‌شوند
«کلاغ‌ها!
کدام قصه باز هم به سر رسید؟
چه شد پری سبزپوش و آن کبوتر سفید؟
چه وقت می‌رسد سوار جاده‌های دور؟
چه وقت می‌شود دوباره از درخت آسمان
کمی - فقط کمی - ستاره چید؟
کلاغ‌ها!
چرا دوباره ساکتید؟
چرا دوباره خسته‌اید
مگر هنوز
به خانه تان نمی‌رسید؟
کلاغ‌های قصه‌های کودکی!
مسافران ساده و صبور!
اگر چه بی‌جواب
اگر چه ناامید
ولی به شعر تازه‌ام خوش آمدید»
آتوسا صالحی

دو روی سکه

زندگی هر چه باشد، همین است
این که ما سخت درگیر آنیم
گریه تا هست، پر غصه و غم
خنده تا هست، ما شادمانیم
این ولی حرف یک روی سکه است
حرف این سکه تنها همین نیست
خنده گاهی هم از روی درد است
گریه هم گاهی از روی شادی است
ابرها تا نگریند، در باغ
خنده غنچه‌ها دل‌نشین نیست
غصه و شادی از یک نژادند
معنی زندگی هم جز این نیست
بیوک ملکی



آدم‌برفی

برف می‌بارد
 چه برفی هم!
 یاد سال پیش می‌افتم:
 برف می‌بارید و ما خندان.
 یاد آدم‌برفی و شال و کلاه آن.
 برف می‌بارد
 چه برفی هم!
 رفته‌ای افسوس!
 رفته‌ای جایی که برفی نیست.
 ای مسافر!
 کاش می‌گفتی که بعد از رفتنت
 هم‌بازی من کیست.
 برف می‌بارد
 چه برفی هم!
 بارش این برف، دردی در دلم انداخت:
 این که آدم‌برفی امسال را،
 فردا
 با که باید ساخت.
 مصطفی رحماندوست

راز

ابره‌های زیبا
 رازهایی دارند
 وقتی از آن بالا
 بر زمین می‌بارند
 راز آن‌ها این است
 ریختن با امید
 باز بالا رفتن
 با نگاه خورشید
 راز ما آدم‌ها
 مثل راز آن‌هاست
 زندگی روی زمین
 پرزدن سوی خداست!
 داود لطف‌الله

مسیر لغزنده

دوباره راه بسته است
 و برف سرد و بی‌خیال
 سراسر بزرگ‌راه
 نشسته است
 زمین، سفید و لیز
 هوا، چه خیس و سرد
 میان چرخ‌ها و برف
 سماجت و نبرد
 دوباره در میان راه مانده‌ایم
 میان این بزرگ‌راه مانده‌ایم
 ولی عبور می‌کند کسی
 چه ساده از کنار من
 نگاه می‌کنم به او
 به برف‌های یخ‌زده
 و رد چرخ‌های یخ‌شکن
 افسانه شعبان‌نژاد

